



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان با توفیق پروردگار متعال در ولایت فقیه است که دنباله غدیر و مفهوم: ﴿الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَیْوُنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱ می باشد، یکی از نمونه های بارز و روشن عهدنامه مالک اشتر (نامه ۵۳ نَحج البلاغه) می باشد که ابعاد مختلف کار فقیه (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) برای تشکیل و اداره ی یک جامعه مقتدر و عزتمند در آن بیان شده است چراکه حضرت امیر علیه السلام مالک اشتر را به عنوان یک فقیه و سازنده جامعه به مصر اعزام کردند بنابراین اگر آقایان همین عهدنامه مالک اشتر را مطالعه کنند مکفی خواهد بود البته باید قسمتهای مختلف آن جدا شوند، اسلام اساساً با سه موضوع مبارزه می کند تا آنها را از میان بردارد و جامعه را از آنها خالی کند؛ ظلم و جهل و فقر، ظلم به عدالت و سیاست عادلانه مربوط می شود که حضرت امیر علیه السلام در این رابطه می فرماید: ﴿إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنٍ الْوُلَاةَ اسْتِقَامَةَ الْعَدْلِ فِي الْأَبْلَادِ﴾^۲.

در روایاتی که می خواندیم به باب زکاة رسیدیم و وارد بحث اقتصاد شدیم چراکه زکات از برنامه های اقتصادی اسلام می باشد لذا مقداری درباره فقر و مضرات فقر و برنامه اسلام درباره برداشتن فقر بحث می کنیم، اسلام پشتوانه ای برای فقیه معین کرده که یکی از آنها "انفال" می باشد که اگر آن طور که بحث می کنیم محقق و عملی شود خیلی به رونق اقتصاد و از میان برداشته شدن فقر کمک می کند.

خوب و اما در مورد فقر بین علماء اسلام بحث است که آیا در اسلام طوری برنامه ریزی شده که فقر لا بد منه باید در جامعه باشد یا اینکه اگر درست به برنامه اسلام عمل شود فقر ریشه کن خواهد شد؟ آن طور که از آیات و روایات استفاده می شود فقر یک عارضه است و اگر قوانین اسلام درست پیاده و عملی شود فقر ریشه کن می شود فلذا وقتی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند دیگر فقر وجود ندارد بنابراین فقر یک عارضه ای است که در نتیجه ی عمل نکردن به احکام اسلام بوجود آمده است و اینطور نیست که ذاتاً در برنامه های اصلی اسلام فقر نیز وجود داشته باشد.

در نَحج البلاغه نمونه های فراوانی وجود دارد که حضرت امیر علیه السلام از فقر بسیار انتقاد و آن را مذمت کرده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

اول: کلمات قصار شماره ۳: ﴿الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ وَ الْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدِهِ﴾^۳.

دوم: کلمات قصار شماره ۵۳: ﴿الغنى في الغربة وطن، والفقر في الوطن غربة﴾^۴.

سوم: کلمات قصار شماره ۱۵۴: ﴿الفقر الموت الاكبر﴾^۵.

چهارم: کلمات قصار شماره ۳۱۱: ﴿يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ﴾^۶، از این قبیل روایات در مورد فقر زیاد داریم که ظاهراً مراد فقر مالی می باشد لذا

بحثمان در این است که آیا در اسلام برنامه ای داریم که لا بد منه باید عده ای فقیر باشند یا اینکه اگر به برنامه های اسلام عمل شود فقر از بین خواهد رفت؟ روایاتی داریم که در آنها گفته شده اگر افراد غنی به وظیفه خودشان

^۳ نَحج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۳۱۹.

^۴ نَحج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۳۲۶.

^۵ نَحج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۳۴۲.

^۶ نَحج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۳۶۶.

^۱ سوره مائده، آیه ۳.

^۲ نَحج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۲۹۵.

الان الحمد لله تعالى ولیّ زمان ما آیت الله خامنه ای حفظه الله تعالى تأکید بر همین موضوع دارند.

در جلسات بعدی در مورد "انفال" بحث خواهیم کرد و یکی از کتابهایی که عزیزان باید مطالعه کنند کتاب "اقتصادنا" شهید محمد باقر صدر است که بسیار کتاب خوب و عالی در مورد برنامه های اقتصادی اسلام می باشد.

بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالى

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

عمل کنند فقر بوجود نمی آید و حضرت امیر علیه السلام در این رابطه می فرماید: ﴿مَا رَأَيْتُ نِعْمَةً مَوْفُورَةً إِلَّا وَ فِي جَانِبِهَا حَقٌّ مُضَيِّعٌ﴾ و از طرفی روایات فراوان و آیاتی در مورد تکاثر یعنی جمع مال و ثروت داریم که خیلی آن را مذمت کرده اند: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۴) يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ (۳۵)﴾^۷ بنابراین هرگز اسلام اجازه نمی دهد عده ای مال اندوزی کنند و عده ای دیگر فقیر باشند و حضرت امیر علیه السلام نیز در عهدنامه مالک تأکید دارد که باید به فقرا برسد و فقر را نابود کند و بالاخره فقر و ظلم و جهل سه عارضه ای است که جامعه اسلامی باید از آنها خالی باشد.

برای نمونه یک روایتی را به عرضتان می رسانیم، خبر این است: ﴿محمد بن الحسن بإسناده عن محمد بن أحمد، عن محمد بن عیسی، عن أحمد بن عائذ، عن محمد بن أبي حمزة، عن رجل بلغ به أمير المؤمنين عليه السلام قال: مر شيخ مكفوف كبير يسأل، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: ما هذا؟ قالوا: يا أمير المؤمنين نصراني، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: استعملتموه حتى إذا كبر وعجز منعموه، أنفقوا عليه من بيت المال﴾^۸.

اسلام می گوید کسی که قدرت دارد باید کار کند و کسی که قدرت کار کردن ندارد باید از بیت المال به او رسیدگی شود تا اینکه جامعه یک نواخت و هماهنگ شود، بنابراین بحث فعلی ما درباره ولایت فقیه در این است که فقیه با پشتوانه های اسلامی باید طوری گام بردارد و طوری جامعه را اداره کند که آن جامعه محترم و مکرم و قدرتمند باشد که

^۷ سوره توبه، آیه ۳۴ و ۳۵.

^۸ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۴۹، ابواب جهاد العدو، باب ۹، حدیث ۱، ط الاسلامیة.